

تمدن نوین اسلامی و ضرورت نگاه سازه انگارانه به فضای مجازی

۸ فروردین ۱۳۹۵ ساعت ۰:۵۶

سوالی که از منظر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قابل طرح می باشد آن است که مسئولین، کارگزاران و مردم جامعه ایرانی چگونه باید به این فضا نگاه کنند؟ در پاسخ به این سوال از سه منظر بالا می توان پاسخهایی را برای این پرسش اساسی مطرح نمود.

دکتر جواد حق گو [۱]

اگر «فضای مجازی» [۲] را زیرساخت جهانی ارتباطات و اطلاعات دیجیتال در نظر گیریم که توانسته است تمامی حوزه های زندگی، از عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، فرهنگی، اطلاعاتی، فن آوری و نظایر آن را در خود جای دهد می توان آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی را نقطه عطفی در روند حرکتی این فضای سرنوشت ساز به شمار آورد. به عبارت دیگر با دگرگونی های وسیع و گسترده در فن آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی در این تاریخ این فضا بسیار بیش از گذشته در متن زندگی مردم دنیا قرار گرفت. به حسب گسترش اهمیت این فضا نگرشهای گوناگونی در رابطه با چیستی این پدیده مطرح شد. با اینحال اگر بخواهیم نگرشهای موجود در رابطه با این فضا را در یک دسته بندی کلی تقسیم نماییم می توان در مجموع سه نگرش کلی به این فضا را مطرح نمود.

نگرش اول که همواره از دریچه امنیتی به مسائل می نگرد برآنست که باتوجه به گستره وسیع آثار، این فضا را به عنوان مسئله و -پدیده ای امنیتی مورد توجه قرار دهد. در این نگاه گستره آثار فضای مجازی تا بدانجا بوده است که این فضا در دکتترین نظامی امنیتی بسیاری از کشورها به عنوان میدان جدید نبرد برشمرده شده است. پرواضح است که در این نگرش نگاهی منفی و یا به تعبیر دقیقتر نگاهی رئالیستی به این فضا وجود دارد. نگرش دوم که غالباً پدیده های نوین را از دریچه اجتماعی مورد کنکاش قرار می دهد این فضا را به عنوان نوعی زیربنای اطلاعاتی و ارتباطی در نظر می گیرد که در آن تمامی اکوسیستمهای اقتصادی و صنعتی رشد می کنند. این نگرش در مجموع نگاهی مثبت و لیبرال به فضای مجازی دارد. نگرش سوم بر آن است که اساساً بسته به نوع نگاه به این فضا می توان ماهیت آن را تعیین نمود. در این نگرش فضای مجازی نه لزوماً فضایی امنیتی(منفی) و نه لزوماً فضایی اجتماعی(مثبت) است بلکه بسته به نوع نگاه و به تبع بهره مندی از این فضا می توان هر دو ماهیت را بر آن سوار کرد. با عنایت به نظریه های مطرح در علوم اجتماعی می توان این نگرش را نگرشی سازه انگارانه [۳] نامید. [۴]

سوالی که از منظر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قابل طرح می باشد آن است که مسئولین، کارگزاران و مردم جامعه ایرانی چگونه باید به این فضا نگاه کنند؟ در پاسخ به این سوال از سه منظر بالا می توان پاسخهایی را برای این پرسش اساسی مطرح نمود.

در نگاه اول که محور اساسی اش مبتنی بر اولویت نگرش امنیتی در فضای مجازی است، بقا و امنیت به عنوان اصلی ترین خواست نظام جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته می شود. نگاه دوم که در اساس در برابر و به تعبیر صحیح تر در تقابل با نگاه اول طرح می گردد فضای مجازی را صرفاً زیربنایی اطلاعاتی و ارتباطی می داند که کنشگرانی چون جمهوری اسلامی ایران می توانند در این فضا به بیشینه سازی منافع خود بیندیشند. در این نگاه جمهوری اسلامی ایران می تواند با بهره مندی از پتانسیل فضای مجازی به ترویج انگاره های انقلابی خود و در یک کلام «صدور انقلاب اسلامی» آنهم در سطح جامعه جهانی بپردازد.

همانگونه که پیداست هر دو نگرش اول و دوم با رویکردهای تقلیل گرایانه تنها یک ساحت را مورد توجه قرار داده و از ابعاد دیگر غافل شده اند. توضیح آنکه جمهوری اسلامی ایران برای تحقق آرمانهای خود راهی جز «کنش تمدن گرایانه» در پیش روی ندارد. کنشی که قائل به عدم توقف انقلاب و محدودسازی آن در درون ساختارهای بسته نظام سیاسی است.^[۵] در این معنا انقلاب اسلامی ایران صرفاً یک رویداد سیاسی نیست که در بهمن ۱۳۵۷ وقوع یافته باشد بلکه آنچه در ۲۲ بهمن روی داد نشانه و آغازگر راهی بود که داعیه ای بلند داشت و آرمان هایی متعالی را در سر می پروراند. گستره زمانی این انقلاب به یک روز و یک سال و حتی یک نسل ختم نمی شود و جغرافیای آن به مرزهای ترسیم شده برای ایران اسلامی محدود نمی گردد. با چنین نگرشی، ایستایی انقلاب اسلامی، خود بزرگ ترین چالش برای اصل آن به شمار می آید و حرکت و پویایی آن، لازمه بقای آن است. بر این اساس جمهوری اسلامی هم باید به بقا و تداوم حیات خود بیندیشد و هم به اشاعه و ترویج انگاره های خود آنهم در سطحی جهانی.

بنا بر این اگر بخواهیم گام به گام مراحل پنج گانه رسیدن به تمدن نوین اسلامی مورد تاکید رهبر معظم انقلاب^[۶] را طی نماییم چاره ای جز آنکه رویکرد سوم را تبدیل به گفتمانی فراگیر در سطوح گوناگون جامعه ایرانی نماییم، نداریم. بر اساس این رویکرد سازه انگارانه نوع تعامل ما با فضای مجازی هویت این فضا را قوام می بخشد فلذا فضای مجازی نه صرفاً پدیده ای مذموم است و نه صرفاً پدیده ای مثبت بلکه اساساً نوع کنش ما در مسیر ساخت تمدن نوین اسلامی چالش یا فرصت بودن این پدیده را تعیین می نماید. بر این اساس اگر بتوانیم از ظرفیتهای این پدیده برای فراگیر نمودن گفتمان انقلاب اسلامی بهره جوییم قطعاً این پدیده فرصتی استثنایی برای جمهوری اسلامی خواهد بود لکن عدم بهره مندی از این فرصت موجبات زیان و خسران انقلاب اسلامی را فراهم می نماید.

پی نوشتها

[۱]- دکتری روابط بین الملل و مدرس دانشگاه تهران

[۴]- در توضیح رویکرد سازه‌انگاران، البته به میزان بهره‌مندی در این نوشتار، باید اشاره کرد که این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه‌انگاری، هویت یک امر رابطه‌ای است و عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. در این نوشتار با بهره‌مندی از این نگرش می‌توان گفت بسته به نوع نگاه و به تبع اقدام ما، فضای مجازی این پدیده می‌تواند مثبت و یا منفی باشد.

[۵]- اساساً و همانطور که تاریخ نشان داده است محدود و محصور نمودن انقلابها در ساختارهایی چون نظام سیاسی برآمده از انقلاب مترادف با مرگ یک انقلاب خواهد بود.

[۶]- از منظر مقام معظم رهبری رسیدن به هدف تمدن اسلامی، فرآیندی پنج مرحله‌ای است که نهایتاً به شکل‌گیری تمدن بین‌المللی اسلامی می‌انجامد. در توضیح این فرآیند، ایشان می‌فرمایند: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور و جامعه اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌المللی اسلامی است» (بیانات امام خامنه‌ای، ۸ شهریور ۸۳)

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۱۰۴۵/مجازی-فضای-انگاران-سازه-نگاه-ضرورت-اسلامی-نوین-تمدن>